یادداشت

استقلال وکالت؛ تجربه‌ای آزموده‌شده برای عدالت

محمدمقصود
وکیل پایه‌یک دادگستری، کانون وکلای مرکز

هفتم اسفند، سالروز تأسیس کانون وکلای دادگستری، صرفا یک مناسبت تقویمی نیست؛ فرصتی است برای بازاندیشی در تجربه‌ای نهادی که طی بیش از هفت دهه، هم مقاطع همکاری سازنده میان قضا و دفاع را تجربه کرده و هم دوره‌هایی از تنش‌های پرهزینه را از سر گذرانده است. اهمیت این بازاندیشی از آن روست که نهاد وکالت، برخلاف بسیاری از نهادهای صنفی، مستقیم با حق دفاع شهروند و اعتماد عمومی به عدالت پیوند خورده است. تجربه تاریخی نشان می‌دهد هرگاه گفت‌وگوی نهادی جای خود را به سوءبرداشت و تصمیم‌های شتاب‌زده داده، نخستین آسیب متوجه کیفیت دادرسی و سرمایه اجتماعی عدالت شده است.

۱- حق دفاع، نقطه عزیمت بحث: اصل سی‌وپنجم قانون اساسی به صراحت مقرر می‌دارد: «در همه دادگاه‌ها، طرفین دعوی حق دارند برای خود وکیل انتخاب نمایند». این اصل، به‌درستی نقطه عزیمت بحث استقلال وکالت است؛ زیرا محور آن، نه وکیل به‌عنوان یک حرفه، بلکه حق دفاع شهروند به‌عنوان یکی از بنیادهای دادرسی عادلانه است. در تحلیل‌های کلاسیک حقوق عمومی و آیین دادرسی، تأکید شده است که حق دفاع زمانی معنا می‌یابد که وکیل بتواند بدون دغدغه‌های بیرونی و فارغ از ملاحظات غیرحقوقی، از موکل خود دفاع کند. هرگاه این امکان مخدوش شود، دفاع به رفتاری محافظه‌کارانه تقلیل می‌یابد و عدالت، از درون تهی می‌شود. در همین چارچوب، دکتر ناصر کاتوزیان استقلال وکیل را نه امتیازی حرفه‌ای، بلکه شرط تعادل در فرایند دادرسی می‌دانست؛ تعادلی که بدون آن، نظام قضائی با وجود قواعد شکلی دقیق از تحقق عدالت بازمی‌ماند. این نگاه، امروز نیز همچنان راهگشاست.

۲- استقلال؛ مسئله‌ای فراتر از یک مطالبه صنفی: قانون استقلال کانون وکلای دادگستری مصوب ۱۳۳۳، کانون را نهادی مستقل، غیردولتی و برخوردار از صلاحیت‌های انتظامی، آموزشی و صنفی معرفی کرده است. فلسفه این استقلال، آن‌گونه که در دکترین حقوق و تجربه حقوق تطبیقی مورد تأکید قرار گرفته، ایجاد توازن نهادی در دادرسی است. استقلال، در این معنا، نه نفی نظارت است و نه مصونیت از پاسخ‌گویی؛ بلکه جدایی ساختاری از مرجع قضا برای تضمین بی‌طرفی دفاع و پیشگیری از خطای قضائی است. تجربه نظام‌های حقوقی مختلف نشان داده است که وابستگی سازمانی وکیل به نهاد قضا، به‌تدریج کارکرد دفاع را تضعیف و اعتماد عمومی را فرسایش می‌دهد.

۳- الگوی فروپاشی گفت‌وگو؛ تجربه‌ای قابل پیشگیری: در دهه‌های گذشته، رابطه میان کانون وکلا و نهادهای حاکمیتی، دوره‌هایی از همکاری مؤثر و نیز مقاطعی از تقابل‌های فرساینده را تجربه کرده است. بررسی این مقاطع نشان می‌دهد که ریشه بسیاری از این تعارض‌ها نه در تضاد منافع واقعی، بلکه در ضعف گفت‌وگوی نهادی، سوءبرداشت از مفهوم استقلال و غلبه نگاه اداری یا سیاسی بر منطق حقوقی نهفته بوده است. پیامد این وضعیت، تضعیف کیفیت دفاع، افزایش بی‌اعتمادی شهروندان و احتیاط افراطی در فرایند دادرسی بوده؛ الگویی تکرارشونده که هزینه آن را جامعه پرداخته است.

۴- شفافیت نهادی و بازتعریف نقش اجتماعی کانون: استقلال، اگر با اصلاح درونی و شفافیت نهادی همراه نباشد، در بلندمدت پایدار نمی‌ماند. کانون وکلا ناگزیر است شفافیت تصمیم‌گیری، پاسخ‌گویی و نقد درون‌نهادی را به بخشی از هویت عملی خود تبدیل کند. تجربه نهادهای حرفه‌ای نشان می‌دهد که نقد درون‌ساختاری، نه تهدید استقلال، بلکه سپر آن است. در همین راستا، بازتعریف گفتمان کانون از سطح صرفا صنفی به سطح حقوق شهروندی و عدالت‌محور، ضرورتی انکارناپذیر است. از سوی دیگر، کانون وکلا نمی‌تواند در بزنگاه‌های مهم حقوقی و اجتماعی، حضوری منفعل یا صرفا تماشاگر داشته باشد. نهاد وکالت، به اعتبار پیوند تاریخی خود با حق دفاع و آزادی‌های بنیادین، باید در مقاطع حساس، حضوری مسئولانه، فعال و عقلانی در کنار جامعه داشته باشد؛ حضوری مبتنی بر قانون، به‌دور از هیجان و در راستای تقویت اعتماد عمومی. این حضور، نه به‌معنای تقابل با حاکمیت، بلکه در جهت ایفای نقش نهادی و پیشگیرانه برای صیانت از عدالت است. پایداری این مسیر، مستلزم عبور از دوگانه پرهزینه «انفعال» و «رادیکالیسم» است. تجربه نشان داده است که هر دو رویکرد، در نهایت به تضعیف جایگاه نهادی وکالت منجر می‌شوند. راه برون‌رفت، گفت‌وگوی حقوقی مستمر میان کانون وکلا، قوه قضائیه و نهاد قانون‌گذاری است؛ گفت‌وگویی پیش‌دستانه، مبتنی بر قانون و عقلانیت حقوقی، و فارغ از غلبه هیجان بر منطق.

سخن نهایی: هفتم اسفند، اگر قرار است معنایی فراتر از یک تاریخ داشته باشد، باید ما را به این جمع‌بندی برساند که استقلال وکالت، نه مطالبه‌ای صنفی و نه امتیازی نهادی، بلکه حاصل تجربه‌ای آزموده‌شده برای تضمین عدالت است. تاریخ نشان داده است که تقابل، راهی به اصلاح نمی‌برد؛ و نهاد وکالت، اگر در پی آینده‌ای باثبات و مؤثر است، ناگزیر باید بر عقلانیت حقوقی، شفافیت نهادی، گفت‌وگوی مستمر و حضور مسئولانه در کنار جامعه تکیه کند، مسیری که این‌بار بهتر است دوباره آزموده نشود.

نعمت‌الله ایزدی در گفت‌وگو با «شرق»:

همیشه برای دیپلماسی فرصت هست

شرق: نعمت‌الله ایزدی بر این باور است که با وجود پیچیدگی و شدت بحران‌های کنونی و علی‌رغم سنگینی سایه تهدید جنگ، هنوز می‌توان به دیپلماسی دل بست و امیدوار بود مذاکرات ژنو به نتایجی هرچند محدود و موقت، منجر شود. آخرین سفیر جمهوری اسلامی ایران در اتحاد جماهیر شوروی تأکید می‌کند در هر شرایطی، دیپلماسی همواره راهی برای حل مسائل باقی می‌گذارد و حتی اگر جنگی آغاز شود، سرانجام باید از طریق گفت‌وگو و راهکارهای دیپلماتیک به آن پایان داد. آنچه در ادامه می‌خوانید، مشروح و دقیق دیدگاه‌های اولین سفیر ایران در فدراسیون روسیه در زمینه معادلات پیش‌رو در حوزه مذاکرات هسته‌ای است.

•••

آیا آن‌گونه که برخی برداشت می‌کنند، مذاکرات پنجشنبه ژنو فرصت آخر دیپلماسی به شمار می‌رود که اگر به شکست رسید باید مهیای جنگ شد؟

خیر، برداشت من چنین نیست. واقعیت این است که حتی در شرایط بسیار حساس و بحرانی کنونی، طرفین مذاکره هنوز اراده‌ای حداقلی برای حل مسئله دارند. احساس من این است که اگر افراطی‌ها و فشارهای افراطی در دو سوی معادله اجازه دهند، امکان دستیابی به توافقی، ولو کوتاه‌مدت و مرحله‌ای همچنان وجود دارد و دیپلماسی می‌تواند مسیر خود را ادامه دهد. البته همه چیز بستگی به تحولات روزهای پیش‌رو دارد؛ از جمله باید دید که آیا سفر آقای لاریجانی طبق خبرها به عمان انجام شده است یا خیر و پس از آن، در نشست روز پنجشنبه چه تغییرات و تحرکاتی رخ خواهد داد.

مگر سفر قبلی لاریجانی به عمان و قطر کاری از پیش برد که این سفر حتی در صورت انجام بتواند معادلات را تغییر دهد؟

ما که از پشت پرده‌های مذاکرات خبر نداریم. اصلا نمی‌دانیم که سفر قبلی آقای لاریجانی به عمان و قطر بی‌حاصل بوده است یا نه. بنابراین، اگرچه فضای مذاکرات پرچالش و پرتنش است، اما نباید از هم‌اکنون به این نتیجه برسیم که عدم توافق به معنای قطعی آغاز جنگ است یا هر سفر و تحرک دیپلماتیک ما بی‌نتیجه است. عدم توافق صرفا به معنای ادامه گفت‌وگوها و تلاش برای یافتن راه‌حل‌های عملی و محدود است و لزوما به درگیری نظامی منتهی نمی‌شود.

شما همواره، چه در مصاحبه با ما و چه در رسانه‌های دیگر تأکید کرده‌اید در دیپلماسی هیچ‌گاه بسته نیست و نباید از آن ناامید شد، اما اکنون بسیاری معتقدند به نقطه‌ای رسیده‌ایم که دیپلماسی دیگر پاسخ‌گو نیست؛ غیر از این است؟

خیر، واقعیت این است که اگر دیپلماسی نتواند پاسخ‌گو باشد، هیچ جایگزین مؤثر و پایدار دیگری وجود ندارد. حتی جنگ هم راه‌حلی دائمی و نهایی برای بحران‌ها نیست، زیرا هرگونه درگیری نظامی نهایتا باید به پای میز مذاکره بازگردد و با دیپلماسی حل‌وفصل شود. دیپلماسی در واقع کلیدی است که برای بازکردن همه قفل‌ها و گره‌های پیچیده سیاست بین‌الملل طراحی شده و بدون آن، هیچ مسیر دیگری برای مدیریت بحران وجود ندارد. حتی اگر رویارویی نظامی رخ دهد، مادام‌العمر نخواهد بود و در نهایت باز هم به ابزارهای گفت‌وگو و سازش نیاز خواهد بود.

تکرار می‌کنم احساس من این است که در شرایط فعلی، هنوز امکان دستیابی به توافق، ولو مقطعی و مرحله‌ای وجود دارد و طرفین با وجود فضای پرتنش، در تلاش هستند در همین مرحله یک چارچوب توافق اولیه را شکل دهند و سپس بحث‌ها و مذاکرات تکمیلی را برای مراحل بعدی حفظ کنند.

باور و تحلیلتان قدری خوش‌بینانه نیست؟ چون حداقل گزینه جنگ محدود برای فشار بیشتر روی میز ترامپ است.

شاید موضوع اقدامات محدود و حتی حملات مقطعی مطرح باشد که من منکرش نیستم، اما تجربه جنگ ۱۲روزه نشان داده پیامدهای آن بسیار سنگین و هزینه‌زاست. بنابراین طرفین به‌شدت از تکرار چنین رویارویی‌هایی احتراز می‌کنند و انگیزه‌ای برای تشدید آن ندارند. پس اگرچه شاید نگاه من خوش‌بینانه به نظر بیاید، اما از دل یک واقعیت برآمده است.

چه واقعیتی؟

اینکه دیپلماسی همچنان محور اصلی حل بحران است و حتی اقدامات نظامی مقطعی نیز در چارچوب مدیریت فشار و پیشبرد گفت‌وگوها قابل فهم است. این نشان می‌دهد با وجود تهدیدها و فشارهای متقابل، گفت‌وگو و توافق، شاید به شکل یک توافق موقت و محدود، هنوز گزینه اصلی و محتمل برای جلوگیری از گسترش تنش و هرگونه درگیری گسترده باقی مانده است.

اما بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه گفته اصلا چیزی به نام توافق موقت در دستور تهران کار نیست.

شما با طرفی سخن می‌گویید که بخش عمده رفتارش در قبال ایران، رفتار تبلیغاتی و پروپاگاندایی است. نمی‌شود طرف هرچه دلش خواست بگوید و ما هیچ پاسخی نداشته باشیم. بنابراین مواضع ما هم در این برهه، شاید بخشی از دیپلماسی ما باشد. به هر حال ما باید با دنیا سخن بگوییم. اراده خودمان را برای مذاکره، صلح و توافق نشان دهیم و در عین حال صراحتا هم بیان کنیم که خواهان چه هستیم. بنابراین بخشی از این اظهارات بقایی و دیگران در چارچوب دیپلماسی انجام می‌شود.

پس باید پرسید که از دید نعمت‌الله ایزدی صحنه معادلات ما را به سمت توافق موقت در جهت فریزکردن بحران در نقطه فعلی می‌برد؟

به لحاظ محتوایی، اگر فرض بر این باشد که آیا توافق، هرچند به شکل موقت و محدود رخ خواهد داد یا خیر، برداشت من این است که طرفین تا این لحظه اراده دارند این مشکل را با دیپلماسی حل کنند؛ حتی ترامپ نیز همین ایده را مطرح کرده و بر آن تأکید ورزیده است.

اتفاقا ویتکاف و کوشنر نیز همین را می‌گویند. می‌گویند باید به دیپلماسی فرصت داد، این خط تحلیل شما را تأیید می‌کند. اما تا کی طرفین می‌خواهند به دیپلماسی فرصت دهند؟

به هر حال، دیپلماسی ذاتا زمان‌بر و پیچیده است و نمی‌توان انتظار داشت که یک فرایند حساس و چندوجهی در کوتاه‌مدت به نتیجه قطعی برسد. آنچه در این مرحله اهمیت دارد، رفتار طرفین است؛ اگر هریک از طرفین اقداماتی انجام دهند که مسیر دیپلماسی را مسدود کند یا فضا را به سمت بن‌بست سوق دهد، امکان پیشرفت به‌شدت کاهش می‌یابد. حتی اقدامات یا اظهاراتی که به‌ظاهر بی‌اثر یا نمادین هستند، می‌توانند دورنمای گفت‌وگوها را مبهم و ناپایدار کنند. برداشت من این است که در وضعیت فعلی، همچنان دیپلماسی محور اصلی و غالب روندهاست و حتی با وجود اینکه جنگ و تنش نظامی به عنوان یک گزینه بالقوه مدنظر است، اولویت واقعی و ملموس طرفین حفظ گفت‌وگو و جست‌وجوی راه‌حل‌های سیاسی است، نه ورود به درگیری مستقیم.

شما گفتید دیپلماسی ذاتا زمان‌بر و پیچیده است و نمی‌توان انتظار داشت که یک فرایند حساس و چندوجهی در کوتاه‌مدت به نتیجه قطعی برسد. این گزاره روی کاغذ درست است، اما در صحنه عمل متهم نمی‌شویم که داریم مذاکره برای مذاکره می‌کنیم یا مذاکرات را فرسایشی می‌کنیم یا برای خود وقت می‌خریم؟

متهم از سوی چه کسی؟

از سوی آمریکا...

این‌گونه نیست؛ زیرا اگر آمریکا احساس می‌کرد که چنین است، دیگر برای پنجشنبه با ما در ژنو قرار نمی‌گذاشت. پس ترامپ هم تا اکنون به این نتیجه رسیده که دیپلماسی را ادامه دهد؛ هرگاه به این نتیجه رسید و اعلام کرد تهران در حال وقت‌کشی است، آن زمان باید درباره‌اش سخن گفت. اما خودمان نباید خودمان را متهم کنیم.

نکته‌ای که حائز اهمیت است، این است که بر فرض محال هرچه مذاکرات جدی‌تر و تلاش‌ها برای توافق عمیق‌تر شود، آیا احتمال مداخله یا کارشکنی اسرائیل افزایش نمی‌یابد؟ و با توجه به مشغله روسیه در اوکراین، آیا ممکن است مسکو در کنار اسرائیل برای توقف مذاکرات همسو شود؟

ببینید، همکاری این دو (روسیه و اسرائیل) در قبال ایران را در حال حاضر بسیار بعید می‌دانم.

منظورم به شکل ائتلافی نیست، بلکه به شکل موازی و مستقل از هم است؟

بله، در این شرایط پیچیده، رفتار بازیگران بین‌المللی نمی‌تواند صرفا به‌صورت خطی و ساده تحلیل شود. هریک از کشورها بر اساس منافع و اهداف خاص خود، ممکن است اقداماتی انجام دهند که از دید ناظران، کارشکنانه یا مزاحم روند مذاکرات به نظر برسد. در این میان، اسرائیل نقش ویژه‌ای دارد؛ همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، افراطی‌های دو طرف و در رأس آنها اسرائیل و حامیانش همواره در تلاش‌اند تا بر روند مذاکرات ایران و آمریکا تأثیر بگذارند. با افزایش جدیت و نزدیکی مذاکرات به یک توافق احتمالی، طبیعی است که این بازیگران تلاش کنند با مداخلات سیاسی، رسانه‌ای یا دیپلماتیک، زمینه را برای تغییر یا تأخیر مسیر توافق فراهم کنند، به‌ویژه وقتی پای منافع استراتژیک و امنیت ملی خود در میان باشد.

در مقابل، وضعیت روسیه کاملا متفاوت است. مسکو درگیر بحرانی پیچیده و تمام‌عیار در اوکراین است و منابع، تمرکز و توان تصمیم‌گیری محدود شده است. این مسئله باعث شده روسیه در تعامل با پرونده ایران، رویکردی محتاطانه و بی‌طرفانه اتخاذ کند. ترجیح مسکو سکوت نسبی و حفظ تعادل است؛ هرچند ممکن است بیانیه‌هایی در قالب ابراز نگرانی یا اعلام آمادگی برای کمک ارائه شود، اما اقدامات عملی و مؤثر که بتواند روند مذاکرات را به شکل ملموس متوقف یا تسریع کند، مشاهده نمی‌شود.

این موقعیت بینابینی روسیه، هم از نظر دیپلماتیک و هم از منظر امنیتی، به طور غیرمستقیم به حفظ ثبات نسبی در مذاکرات کمک می‌کند. از یک سو، اگر تلاش کند آمریکا را وارد جنگ با ایران کند، ممکن است آتش جنگ منطقه‌ای متوجه خود روسیه نیز شود. از سوی دیگر، اگر روند صلح و توافق پیش رود، توجه واشنگتن به مسائل دیگر، مانند اوکراین، افزایش می‌یابد. بنابراین، روسیه در یک پارادوکس رفتاری قرار دارد و ترجیح می‌دهد به شکل محتاطانه، فقط با حفظ تعادل و بی‌طرفی، از هرگونه اقدام مستقیم که ممکن است تعادل قدرت منطقه‌ای را بر هم زند، پرهیز کند.

و برای سؤال آخر، با توجه به تمام نکاتی که تاکنون بیان کردید و تحلیل‌های شما از وضعیت منطقه و نقش بازیگران بین‌المللی، به نظر می‌رسد ایران دیگر تمایل کمتری را حداقل در ظاهر دیپلماتیک برای هماهنگی با روس‌ها و چینی‌ها از خود نشان می‌دهد و میلی به آن سفرهای مدام قبلی به مسکو و پکن برای رایزنی با آنها ندارد. با این وضعیت، می‌خواستم نظر شما را درباره رویکرد تهران جویا شوم که آیا اکنون مقامات ایرانی به این جمع‌بندی رسیده‌اند که در مواجهه با تهدیدات احتمالی ترامپ و با توجه به جدیت سناریوی جنگ از سوی آمریکایی‌ها، باید بیش از پیش بر استقلال راهبردی خود تأکید کنند و بدون توجه کامل به مواضع یا فشارهای پکن و مسکو، سیاست‌ها و تصمیمات عملیاتی خود را پیش ببرند و در عین حال مذاکرات مستقیم با آمریکا را در دستور کار قرار دهند، یا همچنان توجه به ملاحظات متحدان و بازیگران دیگر در اولویت است و در پشت پرده و به شکل چراغ خاموش با روس و چین در حال تعامل‌اند؟

اینکه انتظار داشته باشیم ایران به طور کامل چین و روسیه را کنار بگذارد، واقع‌بینانه نیست. به نظر می‌رسد تهران همچنان با این کشورها در ارتباط است و رایزنی‌های خود درباره روند مذاکرات هسته‌ای را به شکل هماهنگ با آنها انجام می‌دهد، اما همان‌طور که اشاره کردید، این دور از مذاکرات دست‌کم در ظاهر، بدون سفر مستقیم مقامات ایرانی به مسکو و پکن برگزار شده است. این امر نشان‌دهنده تغییر رویکردی است که در مقامات ایرانی شکل گرفته و به‌وضوح نمایانگر تمرکز بر استقلال عملیاتی و استراتژیک است. برداشت من این است که ایران اکنون به این واقعیت پی برده که نمی‌توان بر دیوار روسیه یا چین یادگاری نوشت و به آنها تکیه کامل کرد و از آنها انتظار داشت که تمامی ملاحظات و منافع ایران را به طور کامل تأمین کنند. روسیه، به‌ویژه در شرایط فعلی با مشکلات فراوانی در سطح بین‌الملل و بحران اوکراین مواجه است و قادر نیست نقش فعال و تعیین‌کننده‌ای در حمایت از ایران ایفا کند؛ چینی‌ها هم همین‌طور. بنابراین، ذهنیت غالب در ایران این است که حتی در صورت هرگونه رویارویی نظامی، باید بتواند خود به خود اتکا کند و از توان داخلی و راهبردهای ملی برای دفاع از خود بهره گیرد. این تمرکز بر خوداتکایی و تقویت ظرفیت‌های داخلی، نشانه‌ای از درک واقعیت‌های بین‌المللی و آمادگی برای مواجهه با سناریوهای احتمالی جنگ است.

جدول ۵۲۷۴ طراح: بیژن گورانی

افقی:

۱- مشرق- نوگرا- پرتو ۲- ریسمان محکم- قصاب گوشت را از آن آویزان می‌کند- زیلوباف ۳- نخستین سبک ادبی اروپا- نوعی التهاب پوستی ۴- مساوی در شطرنج- شهری در شهرستان رشت- سردار کارتاژ ۵- منتقل‌شدن بیماری- ازبین‌بردن- میوه خوب ۶- پادشاه مقدونی که تخت جمشید را ویران کرد- شهری در هندوستان ۷- چراغ توری- داستان بلند- هریک از مواد قانون اساسی ۸- گوی شیشه‌ای برای بازی کودکانه- خوردن- اندیشمندان ۹- سرپرست- مرکز خلافت امام علی(ع)- نوعی پارچه با خطوط برجسته ۱۰- رئیس وزارتخانه- ژانری در سینما ۱۱- طاقچه قدیمی- ایالتی در آمریکا- نام کوچک هیتلر ۱۲- از فرقه‌های بنیادگرای مسیحی- مرطوب- ماده آرایشی ناخن ۱۳- نام پدر فریدون پیشدادی- خارپشت استرالیایی ۱۴- اجازه ورود به کشور خارجی- بندری معتبر در استرالیا- هستی ۱۵- دیندار- نمایشنامه‌ای مذهبی به قلم علی مؤذنی- پزشک

عمودی:

۱- عنصر اصلی هنر طراحی- رمانی از جوجو مویز، نویسنده انگلیسی- نام اختصاری پلیس راهنمایی و رانندگی ۲- حاشا کردن- گلی که در مرداب می‌شکفد- بله آلمانی ۳- پایتخت کشور مالت- کشوری در همسایگی مکزیک و گواتمالا- معادل فارسی حمله ۴- بهره وام- بیهوده - آلبومی با آواز سالار عقیلی ۵- نام سابق رامسر- بعد از فوتبال پرطرفدارترین ورزش جهان است ۶- اقامت‌گزیده- پایتخت اکوادور- توطئه پنهانی ۷- شهسوار امروزی- پیمان تجارت آزاد آمریکای‌شمالی- پدربزرگ ۸- مکان- فیلمی به کارگردانی جاناتان تپلتزکی و بازی نیکول کیدمن- مردن از غصه ۹- زنگ گردن شتر- کرم‌خورده- از کشورهای عضو بلوک شرق در دوران جنگ سرد ۱۰- دومین رقم از سمت راست عدد- دروغی- پروانه وکالت دارد ۱۱- محبس- گرمابخش فصل سرما ۱۲- کاشف پنی‌سیلین- یکتا- اگر بالا نشیند کسر شأن شعله نیست ۱۳- ساز موسیقی افغانستان- خشنود- از محلات شمال تهران ۱۴- تعجب زنانه- از یاران امام رضا(ع)- جهان معنی ۱۵- نماز دو رکعتی مستحب- جدایی‌ناپذیر- مروارید

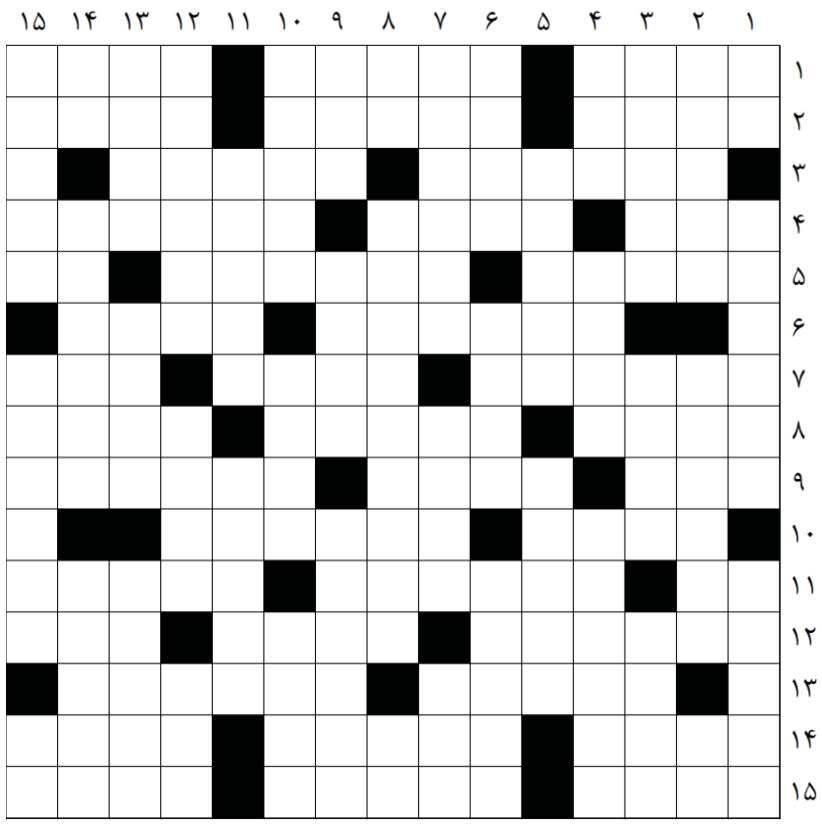

حل سودوکو ۴۲۶۹

۵	۹	۳	۷	۴	۲	۸	۱	۶
۲	۶	۷	۱	۳	۸	۹	۵	۴
۴	۱	۸	۵	۶	۹	۷	۳	۲
۳	۸	۵	۹	۲	۷	۴	۶	۱
۹	۷	۶	۴	۱	۵	۳	۲	۸
۱	۴	۲	۶	۸	۳	۵	۹	۷
۸	۲	۹	۳	۷	۱	۶	۴	۵
۷	۵	۴	۲	۹	۶	۱	۸	۳
۶	۳	۱	۸	۵	۴	۲	۷	۹

۷	۳	۱	۲	۶	۹	۵	۴	۸
۸	۵	۲	۴	۱	۷	۳	۶	۹
۹	۴	۶	۵	۸	۳	۱	۷	۲
۶	۲	۵	۸	۴	۱	۷	۹	۳
۱	۷	۹	۶	۳	۵	۸	۲	۴
۳	۸	۴	۷	۹	۲	۶	۵	۱
۲	۶	۳	۱	۷	۴	۹	۸	۵
۴	۹	۸	۳	۵	۶	۲	۱	۷
۵	۱	۷	۹	۲	۸	۴	۳	۶

حل جدول ۵۲۷۳

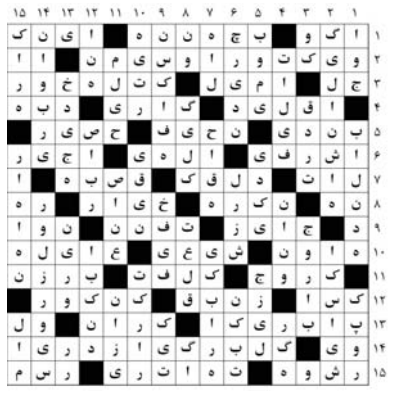

سودوکو سخت ۴۲۷۰

زمان پیشنهادی: ۴۰ دقیقه

قانون‌های حل جدول سودوکو

۱- در هر سطر و ستون باید اعداد یک تا ۹ نوشته شود. بدیهی است که هیچ عددی نباید تکرار شود.

۲- در هر مربع ۳×۳ اعداد یک تا ۹ باید نوشته شود و در نتیجه هیچ عددی نباید تکرار شود.

۳		۷		۱				
۲	۶			۴	۹		۸	
		۴			۳			۱
۷	۹		۱		۶		۵	۴
۱			۴			۳		
	۵		۳	۸			۲	۶
				۶		۴		۹

سودوکو ساده ۴۲۷۰

زمان پیشنهادی: ۲۰ دقیقه

سودوکو

سودوکو Sudoku یک واژه ترکیبی ژاپنی به معنای عددهای بی‌تکرار است و امروزه به جدولی از اعداد گفته می‌شود که به عنوان یک سرگرمی رایج در نشریات کشورهای مختلف به چاپ می‌رسد.

۹			۸			۵		
۴						۸	۱	
	۷	۵			۴	۲		
	۸		۴			۶		
۲	۴		۶		۳		۵	۷
		۶			۱		۳	
		۸	۳			۷	۴	
	۳	۷						۹
		۴			۷			۲